

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران؛ میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر:۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شرق روزنامه

شنبه ۳ آبان ۱۴۰۴ • ۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ • ۲۵ اکتبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۳۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهرتهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۵ • اذان صبح فردا ۴:۵۶ • طلوع آفتاب ۶:۲۰



جشنواره استانی «دیزی» و بازی‌های بومی محلی خراسان شمالی (به مناسبت هفته تربیت بدنی).

صبح پنجشنبه ۱ آبان ۱۴۰۴ در روستای «امیرآباد» شهرستان شیروان استان خراسان شمالی برگزار شد. عکس: وحید خادمی، ایرنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

فرهنگ تجاوز، سپر سلبریتی‌ها و مسئولیت ما

پرستوسرمدی

نوعی سرمایه نمادین ایجاد می‌کند که با پول و نفوذ رسانه‌ای ترکیب شده و سپری غیرقابل نفوذ می‌سازد. هرچه چهره مشهورتر باشد، احتمال باور حرف زن کمتر می‌شود. رسانه‌ها نیز اغلب به‌جای حمایت از قربانی، در راستای حفظ چهره محبوب گام برمی‌دارند؛ یا با سکوت یا با عباراتی مانند «شایعه»، «اتهام بی‌اساس» یا «تسویه‌حساب شخصی». برای تغییر این وضعیت، باید درباره رضایت و مرزهای شخصی از دوران مدرسه آموزش داد؛ به پسران آموخت که بدن هیچ‌کس در اختیار دیگری نیست و به دختران یاد داد که «نه‌گفتن» حق طبیعی آنهاست.

در سطح نهادی، لازم است سازوکاری مستقل برای بررسی اتهامات خشونت جنسی ایجاد شود؛ هیئت‌هایی متشکل از کارشناسان حقوقی، روان‌شناسان و فعالان اجتماعی که بدون ملاحظات اقتصادی یا سیاسی بتوانند به پرونده‌ها رسیدگی کنند. رسانه‌ها نیز باید در بازنمایی این موضوعات آموزش ببینند تا از قربانی‌مقص‌سازی پرهیز کرده و روایت را بر مسئولیت فرد خاطی متمرکز کنند.

رسانه مسئولیت دارد نه در نقض قاضی، بلکه در جایگاه ناظر اخلاقی عمل کند. باید از یک سو از نام‌بردن بی‌ضابطه متهم یا قربانی خودداری کند تا حیثیت افراد بی‌دلیل آسیب نبیند و از سوی دیگر، فضا را برای بیان امن تجربه‌های زنان فراهم کند. راه درست، تمرکز بر مسئله

نشانه‌خوانی

آینده ملی‌شدن



یویانعمت‌اللهی

روزنامه‌نگار

که آمال و آرزوهای همگان را در گرو حصول به آینده می‌کند. حتی یک دیسپلین علمی با عنوان «آینده‌پژوهی» داریم. اکنون تلاقی این دو عنوان «ملی» و «آینده» بدون تردید یک ترکیب ایجابی مثبت است.

خطاب نشانه‌شناسی به کسی است؛ یعنی در ذهن آن کس نشانه‌ای معادل و به‌سا کامل‌تر می‌سازد. چارلز سندرس پیرس این نشانه دوم را «مورد تأویلی» از نشانه نخست می‌داند. موضوع انحلال سال‌ها و اختصاصا در سه دولت اخیر مطرح بود، ولی این انحلال هرگز اتفاق نیفتاد. اما همین که تصمیم‌های اخیر از سوی رئیس قوه قضائیه اعلام شده، حکایت از آن دارد که موضوع جدی است.

انسان تمایل دارد همه نشانه‌ها را نمادین کند. هر نشانه زبان‌شناسانه یک «واقعیتی» را از واقعیت‌های دیگر متمایز و چیزی را مشخص می‌کند. به هر تقدیر، نشانه همواره به شکل گریزناپذیر، تحت تأثیر عوامل اجتماعی است.

به همین خاطر است که زبان را باید به‌مثابه رابطه میان الفاظ (ملی، آینده، انحلال، ادغام) با جهان خارج (دارایی، بدهکاری، بستانکاری، بهره، قسط، وام و…) و ارزش‌های صدق و صحت (شفافیت، فساد، انضباط) در نظر گرفت.

از همین منظر است که خبر ادغام و انحلال می‌تواند ارزش نشانه‌شناسانه داشته باشد. بانک ملی از این حیث که عنوان «ملی» را بر خود دارد، محل اعتماد عمومی بوده است.

دیدگاه ذهن‌گرا به زبان می‌گوید هر پاره‌گفتار، بازنمایی ذهنی

طنزخوانی

من با بقیه فرق دارم



آیدین سیار سرچ

جای شما خالی پنجشنبه از تهران آدمیدم شمال. واقعا وضعیت عجیبی است. از وقتی آزادراه را افتتاح کرده‌اند و زمان رسیدن به شمال، به دو ساعت کاهش پیدا کرده، سابقه نداشته کسی دوساعته به شمال برسد. شلوغی و ترافیک این جاده دیگر تعطیلی و غیرتعطیلی نمی‌شناسد. شبیه اتوبان همت همیشه شلوغ است. حتی بعضی از پدران سرزمینمان هم که اصرار دارند چهار صبح راه بقیقم که به شلوغی نخوریم هم بعضا اسیر چنگال ترافیک می‌شوند و چهار، پنج ساعت توی راه می‌مانند. اینها قاعداً موجب اعصاب‌خردی می‌شوند. مثلاً این دوستی که با ما همسفر بود، نگاه تأسف‌باری به ماشین‌های در ترافیک مانده گرفته بود. با میمیک ناراضی امیر قلعه‌نویی گفت: اینا چی می‌خوان از جون شما؟ در واقع حق شمال رفتن را برای بقیه قائل نبود. من مطمئنم آن چندصد ماشینی هم که در ترافیک مانده بودند هم داشتند به بقیه نگاه می‌کردند و می‌گفتند: اینا واسه چی دارن میرن شمال؟ آنها هم معتقد بودند که فقط آنها باید بروند شمال و بقیه آمده‌اند جاده را خراب کرده‌اند. در واقع یک چیزی است تو مایه‌های تظاهرات علیه مهاجران که در اروپا شکل می‌گیرد. آنجا هم بعضی از هم‌وطنان ما می‌روند قاطی بومی‌های اروپایی و با بیان اینکه «این عربا و آفریقایی‌ها اومدن اینجا رو خراب کردن» خواستار اخراج مهاجران می‌شوند، به‌طوری‌که موه‌های زائد آن آلمانی یا انگلیسی می‌ریزند که «داداش! تو مکه خودت مهاجر نیستی؟ به چی داری اعتراض می‌کنی؟» ای اروپایی ساده‌لوح! اینکه چیزی نیست، ما معتقدیم یک‌سری از خود شما اروپایی‌ها هم اروپا را خراب کرده‌اید، دیگر چه برسد به مهاجر. شاید باورتان نشود ولی همیشه و همه‌جا حق با ماست. به‌هرحال من نباید ادیت باشم. در همین جاده چالوس هم بقیه اشکال ندارند در ترافیک بمانند ولی من چون با بقیه فرق می‌کنم، باید از شانه خاکی سبقت بگیرم که زودتر برسَم. این منم که هوای تهران برایم در وضعیت نارنجی است، وگرنه هوای تهران برای بقیه عالی است. الان یک‌سری حتماً می‌گویند خب بی‌انصاف! تو هم مثل ما می‌روی تفریح کنی، فرق تو با ما چه؟ اشتباهتان همین جاست، من در شمال تفریح نمی‌کنم عزیزم؛ من اینجا کار دارم. باید بیایم اینجا در ویلایم را باز کنم، ویلا هوا بخورد، گل‌ها را آب بدهم، چمن‌ها را بزنم، زغال بگیرم، مرغ بخرم و بعد کبابی خرد کنم و هزارتا دردرسر دارم اینجا. مثل شما نیستم که فقط عشق و حال و تفریح. پس بنشینید سر جایتان، جاده را الکی شلوغ نکنید.

زمین‌خوانی

مهاجرت خرچنگ‌ها

رسانه‌های استرالیا از آغاز مهاجرت ده‌ها میلیون خرچنگ سرخ خبر داده‌اند. این خرچنگ‌ها مهاجرت سالانه خود را در جزیره کریسمس استرالیا آغاز کرده‌اند. این جزیره که در خارج از سرزمین اصلی استرالیا و در نزدیکی جزیره جاسوه اندونزی واقع شده، هرساله در این روزها شاهد این اتفاق دیدنی است؛ حدود ۵۰ میلیون خرچنگ از خانه‌های خود به سواحل می‌روند تا تخم‌گذاری کنند و به این ترتیب جاده‌ها و زیر درختان با خرچنگ‌ها پوشیده شده است. البته این جزیره آماده این اتفاق است؛ رسانه‌های محلی درباره آغاز این مهاجرت هشدار می‌دهند و طی این سال‌ها پل‌های مخصوصی برای حرکت خرچنگ‌ها در این جزیره ساخته شده است. این مهاجرت یک برگشت هم دارد و بچه‌خرچنگ‌ها در سال جدید میلادی به ساحل بازمی‌گردند.

یادداشت

زبان مردم، زبان دیوان!



علی مرسلی

مشمول محترم ماده ۴ قانون سازمان

نظام پزشکی- اطلاعیه بسیار مهم

نظر به اینکه ستاد اجرایی مرکزی از منابع

مختلف و متعدد نسبت به احصای محل

اشتغال شما اقدام نموده است، لینک ارسالی

از سرشماره ۴۰۴۰۲۰۰ با نشان V.Behdasht

که حاوی آدرس -https://entekhab.sala-

mat.gov.ir/?s=A6E0733FB1B542D2

است، یکی از منابع مذکور محسوب می‌شود.

لذا عدم تکمیل لینک ارسالی، منعی جهت

مشارکت در انتخابات نخواهد داشت.

ستاد اجرایی مرکزی نهیمین دوره

انتخابات هیئت‌مدیره‌های نظام پزشکی

این متن که از سوی سازمان نظام پزشکی به صورت پیامک برای اعضای سازمان نظام پزشکی ارسال شده، ظاهراً برای تشویق (یا الزام؟) به مشارکت در انتخابات سازمان نظام پزشکی است. فارغ از اینکه این پیام با چه هدفی ارسال شده، ادبیات به‌کاررفته در آن بسیار جالب توجه است. چه من نوعی به عنوان عضو کادر درمان، و چه شما به عنوان خواننده، احتمالاً «برداشت» روشنی از این پیام ندارید. این پیام در ظاهر، دعوتی است برای مشارکت در انتخابات با توضیحی اداری درباره نحوه شرکت در آن، اما لحن و ساختار آن بیشتر شبیه حکم قضائی یا دستورالعمل رسمی است تا یک پیام اطلاع‌رسانی ساده. اما نکته مهم‌تر، کسلی عمیق میان فرستنده و گیرنده از نظر درک ذهنی و زبانی است. از نگاه بسیاری از گیرنده‌ها-مانند من- فرستنده به زبانی سخن می‌گوید که عجیب و غیرقابل فهم به نظر می‌رسد. این گسل زبانی در واقع نشانه‌ای از گسلی بزرگ‌تر در دنیای واقعی است. هرچه در لایه‌های قدرت به سمت درون نگاه کنیم، می‌بینیم افرادی که مانند مردم عادی حرف می‌زنند، از واژه‌های روزمره استفاده می‌کنند یا حتی شبیه ما زندگی می‌کنند، کمتر دیده می‌شوند. در رشت‌های، زبانی تخصصی وجود دارد- همان jargon language- که برای ارتباط دقیق میان متخصصان لازم است. مثلاً یک پزشک در گفت‌وگو با همکارش از واژه نفريت استفاده می‌کند، اما به بیمار خود می‌گوید: «کلیه‌های شما ملتهب هستند».

«نفريت» اشاره به یک وضعیت خاص و

تعریف‌شده علمی دارد که برای پزشک معنا

و پیام دقیقی دارد، در حالی که «التهاب کلیه» فقط مفهومی کلی را به بیمار منتقل می‌کند. جابه‌جاشدن زبان تخصصی و زبان

عمومی همواره دردسرساز است؛ بنابراین

پزشکان باید از عمومی‌سازی واژه‌های

تخصصی پرهیز کنند. نمونه بارز این

آشفتنگی را می‌توان در کاربرد گسترده واژه

ADHD در جامعه دید. امروزه افراد بسیاری

ادعا می‌کنند که مبتلا به ADHD هستند، اما

اگر بپرسید چه کسی این تشخیص را برایشان

گذاشته یا معیارهای آن چیست، بسیاری

پاسخ شخصی ندارند. دلیلش روشن است:

یک واژه تخصصی‌که در اصل برای

توصیف یک وضعیت پاتولوژیک به کار

می‌رفته، به تدریج وارد زبان عمومی شده

و معنای علمی خود را از دست داده است.

در طول تاریخ، ادبیات دیوانی همواره با

ادبیات عامه تفاوت داشته است و این تفاوت

تا زمانی طبیعی است که زبان دیوانی برای

افراد تحصیل‌کرده جامعه قابل فهم بماند،

نه اینکه به خرده‌فرهنگ زبانی قشر حاکم

بدل شود. امروز ما شاهدیم که ادبیات

دیوانی ما نسبت به دوران قاجار یا حتی پیش

از آن، تغییر چندانی نکرده است، در حالی

که زبان جامعه و حتی زبان تحصیل‌کردگان

به‌شدت تغییر کرده است. زبان، در همه

جوامع، در گذر زمان دگرگون می‌شود. برای

مثال، یک انگلیسی‌زبان امروزی نمی‌تواند

ماگنا کارتا را بخواند و بفهمد، چون آن سند

به انگلیسی میانه نوشته شده که به لاتین

شباهت دارد. در مقابل، فارسی‌زبان امروز

می‌تواند قاپوس‌نامه را بخواند، اما فهم

کامل آن نیازمند آشنایی نسبی با ادبیات کهن

است. در گذشته (و هنوز تا حدی امروز)

آموزش ادبیات قدیم در مدارس بسیار مورد

تاکید بود.

اما اکنون باید از خود بپرسیم: چه نیازی

است که جز دانش‌آموختگان ادبیات، سایر

مردم نیز «قاپوس‌نامه‌دان» باشند؟

چرا ادبیات دیوانی ما وارد دوران مدرن

نمی‌شود تا مردم برای درک متون رسمی،

مجبور نباشند ادبیات کهن را بیاموزند،

فقط به این دلیل که زبان رسمی حاکمیت

اداری همچنان در قالب‌های قرون گذشته

مانده است؟ و آیا تغییر در زبان، احتمالاً

نویسد تغییرات بزرگ‌تر در خود ساختار

نخواهد بود؟

۵۷ سال

نورنیوز: اروپا پیرترین قاره زمین است؛ میانگین سنی کشورها در آن بین ۴۳ تا ۴۸ سال است. موناکو با میانگین سنی ۵۷ سال، مسن‌ترین کشور جهان محسوب می‌شود. در مقابل، آفریقا جوان‌ترین قاره زمین به شمار می‌رود؛ فقط در ۲۱ کشور این قاره، میانگین سنی مردم کمتر از ۲۰ سال است. در قاره آسیا، کشورهای شرق آسیا مانند ژاپن (۵۰ سال) و کره جنوبی (۴۷ سال) از پیرترین جوامع جهان‌اند، درحالی‌که هند میانگین سنی ۲۸ سال و پاکستان ۲۰ سال دارند.

۲۰ سال

یک کارشناس خنثی‌سازی مواد منفجره در سازمان امدادی وابسته به سازمان ملل، زمان پاک‌سازی غزه از مواد منفجره عمل‌نشده را بین ۲۰ تا ۳۰ سال اعلام کرد. او توضیح داد: «حجم گسترده مهمات عمل‌نکرده در نوار غزه، پاک‌سازی این منطقه را به کاری بسیار طولانی و پرخطر تبدیل کرده است. اگر قرار باشد آوارها به طور کامل پاک شوند، این روند هرگز پایان نخواهد یافت؛ زیرا بخش زیادی از مواد منفجره زیر زمین مدفون شده و ممکن است نسل‌ها بعد هم پیدا نشوند.»

۲.۵ میلیون مهاجر

فاکس نیوز در گزارشی به اخراج مهاجران به عنوان یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای دولت ترامپ اشاره کرد. طبق این گزارش، رکورد عجیب دولت ترامپ در اخراج مهاجران غیرقانونی به این شرح است: بیش از ۵۰۰ هزار اخراج اجباری، بیش از ۱.۶ میلیون خروج داوطلبانه مهاجران و بازداشت بیش از ۲۸۵ هزار مهاجر غیرقانونی. در حال حاضر دولت ترامپ با تعطیلی بیش از ۳۵ روزه دولت، رکورددار تعطیلی دولت آمریکاست. او بار بیش ۲۲ روز دولتش تعطیل شد.